**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

عرض شد که روایت « اذا امرتکم بشئ فأتوا منه ما استطعتم» به نظر ما اضطراب در متن دارد و این روایت بر فرض اینکه روایت باشد یا سقط در آن است و یا نقل به معنای مخل شده و قابل استدلال نیست. گفتیم سه نکته اینجا اشاره می‌کنیم.

نکتۀ اول بیان شد. (در جریان حضرت موسی اشاره کردم که آنجا بحث حکم شرعی نیست بلکه امر تکوینی است، وقتی حضرت موسی می‌فرمایند این فرد کشته شده چگونه بفهمیم قاتلش چه کسی است؟ فرمودند یم گاو بیاورید و ذبح کنید و با بعضی از اعضای گاو به مرده بزنید تا زنده شود و بگوید. داستان گاو بنی اسرائیل، که گاو می‌تواند مرده را زنده کند؟ مسخره کردند، اینجا به خاطر مسخره کردن آنها تضییق کردند، چون آنها دنبال حکم شرعی نبودند، آنجا حکم شرعی نیست و امر تکوینی است.).

**نکتۀ دوم:** که موجب اضطراب در متن روایت است، این فراز روایت است « لو قلت نعم لوجب الحج فی کل عام و لو وجب لما استطعتم» اگر بگویم حج هر سال واجب است، واجب می‌شود ولی شما توانائی و استطاعت ندارید، سؤال: آیا جعل وجوب و حکم شرعی با عدم استطاعت مردم از طرف شارع صحیح است؟ شارع می‌تواند مردم را مکلف کند بما لایستطعیون؟ مگر می‌تواند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چیزی امر کنند که توانائی انجام آن را ندارند؟! خیر.

(از مرحوم شیخ حسین حلی که استطاعت را به معنای حقیقی نمی‌گیرند، ولی استطاعت ظاهرش استطاعت حقیقی و دقی است).

**نکتۀ سوم:** حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طبق این نقل می‌فرمایند « لو قلت نعم لوجب الحج فی کل عام و لو وجب لما استطعتم و لکفرتم»[[2]](#footnote-2) این هم جملۀ عجیبی است اگر حج بر شما واجب شد، شما نمی‌توانید انجام دهید و بعد کافر می‌شوید، آیا معقول است آنچه را که مردم نمی‌تواند انجام بدهند و استطاعت ندارند، اگر انجام ندهند کافر می‌شوند؟ لذا در برخی از نقلهای روایت در خود کتب اهل سنت این جملات به صورت دیگری آمده است که این اشکالات وارد نیست ولی آن ذیل «اذا امرتکم» را ندارد.

مثلا در نقلی چنین است «لو قلت نعم لوجبت و لو وجبت لم تقوموا بها و لو لم تقوموا بها لعذبتم»[[3]](#footnote-3) اگر من بگویم واجب است شما انجام نمی‌دهید و اگر این واجب را انجام ندهید عذاب می‌شوید، ولی جالب این است که ذیل «اذا امرتکم بشئ فأتوا منه ما استطعتم» را ندارد.

به نظر ما ضمن اینکه این حدیث سندا ساقط است از نظر متن هم اشکالات و اضطراباتی در حدیث است که به مدلول حدیث نمی‌شود ملتزم شد. لذا دلیل اول برای اثبات قاعدۀ میسور که حدیث «اذا امرتکم بشئ فأتوا منه ما استطعتم» سندا و دلالتا مورد مناقشه است.

**دلیل دوم:** برای قاعدۀ میسور گفته شده است این حدیث است که « ما لا یدرک کله لا یترک کله» به لسان نفی یا به لسان نهی هر دو می‌شود خواند. نسبت به این جمله ابن ابی جمهور احصائی در غوالئ الئالی مرسلا از نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حدیث را نقل کرده است،[[4]](#footnote-4) در کتب اهل سنت و کتب شیعه این حدیث وجود ندارد، محقق عراقی و محقق بجنوردی می‌فرمایند هر چند حدیث مرسل است ولی اعتماد اصحاب به این حدیث ثابت است و ضعف سند جبران می‌شود[[5]](#footnote-5).

به صورت مختصر اشاره کنیم استناد اصحاب به این حدیث به هیچ وجه ثابت نیست. نه قبل از شیخ طوسی و نه شیخ طوسی و نه تابعین شیخ طوسی حتی استناد علامۀ حلی هم برای اثبات حکم شرعی به این حدیث ثابت نیست لذا کدام و کجا استناد مشهور؟

**نکته: در مورد ورود و عدم ورود حدیث در کتب**

محقق بحرالعلوم در مقدمۀ کتاب بلغۀ الفقیه وقتی که می‌خواهند نوشتن این کتاب را و علتش را توضیح بدهند یک عبارتی دارند، «اخذا بقولهم سلام الله علیهم ما لایدرک کله لا یترک کله»[[6]](#footnote-6) محقق این کتاب در پاورقی حاشیه می‌زند «ما لا یدرک کله حدیث نبوی شریف ذکره العجلونی فی کشف الخفاء»[[7]](#footnote-7)، گویا مسلما این حدیث است که عجلونی در کتابش ذکر کرده است. من تأسف خودم را می‌خواهم اعلام کنم از محققین کامپیوتری، و در این زمان اخیر بسیاری از کتابهائی که برخی از مراکز معتبر هم تحقیق کرده‌اند می‌بیند تحقیق کامپیوتری است. موارد آن قدر زیاد است و انسان برخورد می‌کند.

کتابی را تحقیق کرده است یک مؤسسۀ معتبری مثلا در مادۀ غنم «الافادۀ من کل شئ،» از جمله معجم مقائیس اللغه، وقتی مراجعه می‌کند می‌بیند معجم مقائیس اللغه گفته «افادۀ شئ ما لم یملک قبله»[[8]](#footnote-8) عجلونی یکی از علمای بزرگ اهل سنت است کتابی دارد به نام كشف الخفاء و مزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس، می‌گوید من احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که سر زبانها افتاده است می‌خواهم بررسی کنم که درست است یا نه، مواردی را ذکر می‌کند از جمله این حدیث «ما لایدرک کله لا یترک کله»، روش عجلونی این است که حدیث مشتهر در زبان مردم را می‌آورد و اگر این روایت سندی داشته باشد سند را ذکر می‌کند. جالب است در مورد این روایت هیچ سند و مدرکی پیدا نکرده بلکه می‌گوید قال نجم - که توضیح می‌دهم این نجم چه کسی است؟ ده‌ها مورد عجلونی در کتابش دارد که قال نجم- نجم الدین گفته است « و لفظ الترجمۀ قاعدۀ و لیس بحدیث»[[9]](#footnote-9) این حدیث نیست. شما چگونه ادعا می‌کنید که عجلونی این روایت را در کتابش ذکر کرده است با اینکه عجلونی سند و مدرکی برای این حدیث پیدا نکرده است؟

نجم الدین محمد بن محمد غزی یک کتابی دارد به نام بیان الاخبارالدائرۀ علی السن الناس، که در این کتاب مثل عجلونی روایات مشهوری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر زبان مردم است را بررسی می‌کند.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه در شرح این جمله «وَ قَالَ عليه السلام اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التُّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَ اجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سِتْراً وَ إِنْ رَقَّ‌»[[10]](#footnote-10) می‌گوید «یقال فی المثل ما لایدرک کله لا یترک کله»[[11]](#footnote-11) این مثل است که در مثل گفته می‌شود «ما لا یدرک کله لا یترک کله». لذا هیچ دلیلی نه از شیعه و نه از اهل سنت بر اینکه این جمله حدیث است وجود ندارد. بعد صاحب غوالئ الئالی مرسلا نقل کرده است. از محقق عراقی و محقق بجنوردی هم انسان تعجب می‌کند که می‌گویند اعتماد اصحاب به این جمله ثابت است پس حدیث است.

بحث دلالی این جمله خواهد آمد.

1. - جلسه 20 – مسلسل 235– ‌سه‌شنبه – 18/08/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - مجمع البيان في تفسير القرآن - ط دار المعرفة جلد : 3 صفحه : 386:«و قيل‌ خطب رسول الله (ص) فقال إن الله كتب عليكم الحج‌فقام عكاشة بن محصن و قيل سراقة بن مالك فقال أ في كل عام يا رسول الله فأعرض عنه حتى عاد مرتين أو ثلاثا فقال رسول الله ويحك و ما يؤمنك أن أقول نعم و الله لو قلت نعم لوجبت و لو وجبت ما استطعتم و لو تركتم لكفرتم..». [↑](#footnote-ref-2)
3. - تفسير ابن كثير -جلد: 2 صفحه: 82:«وَقَالَ ابْنُ مَاجَهْ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْر، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيدة، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ لْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي سُفْيَانَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْحَجُّ فِي كُلِّ عَامٍ؟ قَالَ: "لَوْ قُلْتُ: نَعَمْ، لوجَبَتْ، وَلَوْ وَجَبَتْ لَمْ تَقُومُوا بِهَا، ولَوْ لَمْ تَقُومُوا بِهَا لَعُذِّبتُمْ" ». [↑](#footnote-ref-3)
4. - عوالي اللئالي العزيزية؛ ج‌4، ص: 58:«207 وَ قَالَ ع مَا لَا يُدْرَكُ كُلُّهُ لَا يُتْرَكُ كُلُّهُ‌». [↑](#footnote-ref-4)
5. نهاية الأفكار ؛ ج‏3 ؛ ص455:«و عمدة المدرك لها (النبوي) المعروف إذا أمرتكم بشي‏ء فأتوا منه ما استطعتم و قوله عليه السلام ما لا يدرك كله لا يترك‏ كله‏، و قوله عليه السلام الميسور لا يسقط بالمعسور، و اشتهار هذه الروايات الثلاث بين الأصحاب في أبواب العبادات تغني عن التكلم في سندها». و منتهى الأصول ( طبع جديد ) ؛ ج‏2 ؛ ص462:«و أمّا القاعدة فمدركها قوله صلّى اللّه عليه و آله و سلّم: «إذا أمرتكم بشي‏ء فأتوا منه ما استطعتم»، و قوله عليه السّلام: «ما لا يدرك كلّه لا يترك‏ كلّه‏»، و قوله عليه السّلام: «الميسور لا يسقط بالمعسور»، و قد اشتهر نقل هذه الروايات بين الأصحاب و عملهم بها و استنادهم في فتاواهم إليها، و هذا يكفي في الوثوق بها و حجّيتها و في عدم لزوم التفتيش عن سندها.». [↑](#footnote-ref-5)
6. - بلغة الفقيه؛ ج‌1، ص: 10:«فهممت بتحرير بعض المسائل المهمة- لو ينفع بالشيخ الهمّ بذل الهمة- أخذا بقولهم- سلام اللّه عليهم-: «ما لا يدرك كله لا يترك كله» (3) و الميسور لا يسقط بالمعسور (4).». [↑](#footnote-ref-6)
7. - بلغة الفقيه؛ ج‌1، ص: 10:«(3) حديث نبوي شريف، ذكره العجلوني في (كشف الخفاء ج 2 رقم 2258). و ذكر ابن أبي جمهور الأحسائي في كتابه (غوالي اللئالي):أنه علوي.». [↑](#footnote-ref-7)
8. - معجم مقائيس اللغة؛ ج‌4، ص: 397: «غنم‌ الغين و النون و الميم و النون أصلٌ صحيح واحد يدلُّ على إفادة شى‌ءٍ لم يُملَك من قبل،..». [↑](#footnote-ref-8)
9. - كشف الخفاء - ط القدسي العجلوني جلد : 2صفحه : 305:«2757 - ما لا يدرك كله لا يترك كله. هو معنى آية ... (فاتقوا الله ما استطعتم) ... ومعنى حديث - وما أمرتكم به فأتوا منه ما استطعتم، وقال النجم لفظ الترجمة قاعدة وليس بحديث.». [↑](#footnote-ref-9)
10. - نهج البلاغة؛ ص: 450 حکمت 234. [↑](#footnote-ref-10)
11. - شرح نهج البلاغة ابن ابي الحديد جلد : 19صفحه : 75:«وَ قَالَ ع اِتَّقِ اَللَّهَ بَعْضَ اَلتُّقَى وَ إِنْ قَلَّ وَ اِجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اَللَّهِ سِتْراً وَ إِنْ رَقَّ. يقال في المثل ما لا يدرك كله لا يترك كله». [↑](#footnote-ref-11)